



Article Type: Research paper

Hedging Patterns in Economic Diplomacy: A Comparative Analysis of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia

Davoud Karimipour¹, *Rostam Zyaei², Mohammadmahdi Ehsantalab³

1. Assistant Professor, Department of International Relations, National Defense and Strategic Research University, Tehran, I.R. Iran.

2. Master's student in Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R. Iran.

3. Master's student in Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R. Iran.

Article Info.

Received: 11/06/2025

Accepted: 12/08/2025

Available Online: 09/10/2026

Keywords:

Iran, Economic Diplomacy,
Saudi Arabia, Hedging.

*Corresponding Author:

Rostam Zyaei

Address: Master's student
in Political Science, Faculty
of Islamic Studies and
Political Science, Imam Sadiq
University, Tehran, I.R. Iran.

E-mail:

rzyaei@isu.ac.ir

Abstract

In recent years, hedging theory has played a prominent role in analyzing the behavior of units in international politics. While in past studies, these behaviors have been followed by countries in a haphazard manner, there have been no coherent theories to examine different patterns in the field. Now, with the changing environment of economic cooperation and structural changes in the international system, each country is pursuing its hedging path differently from the others. In this context, the research problem ahead is to analyze the hedging pattern in Iran and Saudi Arabia as two neighboring powers in the West Asian region and relatively similar political powers. Based on this issue, the key question now arises as to what patterns of hedging do the two countries behave in economic diplomacy and what consequences each of these patterns brings. The agreement of theoretical findings with field realities shows that Iran has moved towards a reactive hedging model in a situation where external pressures on the one hand and lack of decision-making coherence on the other have led the country to a level of reactivity to dominant global patterns. In contrast, the Saudi government, based on its development strategy, has adopted a coherent hedging model. At the same time, both models have been relatively implemented in Iran and Saudi Arabia, and their full realization depends on maintaining the status quo in the coming years.

How to Site:

Karimipour, Davoud, Ziaei, Rostam, & Ehsantalab, Mohammad Mehdi. (2026). Immunization Models in Economic Diplomacy: A Comparative Study of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(1), 364-394.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

الگوهای مصون سازی در دیپلماسی اقتصادی؛ بررسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

داود کریمی پور^۱، *رستم ضیائی^۲، محمد مهدی احسان طلب^۳

۱. استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱۷ مهر ۱۴۰۵

چکیده

نظریه هجینگ در سال های اخیر، نقش برجسته ای در تحلیل رفتار واحدها در سیاست بین الملل یافته است. در حالی که در مطالعات گذشته، این رفتارها جسته و گریخته از سوی کشورها دنبال شده، اما نظریه های منسجمی برای بررسی الگوهای متفاوت در زمینه وجود نداشته است. اکنون و با تغییر محیط همکاری های اقتصادی و دگرگونی های ساختاری در نظام بین الملل، هریک از کشورها، مسیر هجینگ خود را متفاوت از دیگران پیش می برند. در این زمینه، مسأله پژوهش پیش رو، تحلیل الگوی هجینگ در ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت همسایه در منطقه غرب آسیا و قدرت سیاسی نسبتاً یکسانی است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: دو کشور براساس چه الگوهایی از هجینگ در دیپلماسی اقتصادی رفتار می کنند و هر یک از این الگوها چه پیامدهایی را به همراه دارد؟ یافته های پژوهش بیانگر این واقعیت است که ایران در شرایطی به سمت الگوی هجینگ واکنشی سوق یافته که از یک سو فشارهای خارجی و از سوی دیگر عدم انسجام تصمیم سازی، این کشور را وارد سطحی از واکنش پذیری در مقابل الگوهای مسلط جهانی کرده است. در مقابل، دولت سعودی، مبتنی بر استراتژی توسعه خود، الگوی هجینگ منسجم را در پیش گرفته است. در عین حال که هر دو الگو در ایران و عربستان به طور نسبی پیاده شده و تحقق کامل آن منوط به حفظ وضع موجود در سال های آتی است، روش پژوهشی این مقاله بر اساس روش تحلیل داده ها و مبتنی بر الگوی توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه ها:

ایران، دیپلماسی اقتصادی،
عربستان سعودی،
مصون سازی.

* نویسنده مسئول:

رستم ضیائی

نشانی: دانشجوی کارشناسی ارشد
پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی،
دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران،
جمهوری اسلامی ایران.
پست الکترونیک:
r.zyaei@isu.ac.ir

استناد به این مقاله:

کریمی پور، داود و ضیائی، رستم و احسان طلب، محمد مهدی. (۱۴۰۵). الگوهای مصون سازی در دیپلماسی اقتصادی؛ بررسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۸(۱)، ۳۶۴-۳۹۴.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، کشورهای جنوب جهانی در مواجهه با تحولات اقتصادی، سیاسی و امنیتی، به‌ویژه در پی اعمال تحریم‌های اقتصادی و فشارهای ژئوپلیتیکی از سوی قدرت‌های جهانی، به دنبال راهکارهایی برای هجینگ خود بوده‌اند. هجینگ به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات استراتژیک اطلاق می‌شود که کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی خود در برابر تحولات جهانی و فشارهای خارجی به کار می‌برند. این سیاست‌ها شامل تلاش برای کاهش وابستگی به واردات، تقویت تولید داخلی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای هم‌پیمان است. در این راستا، کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند تا با توجه به ویژگی‌های خاص خود، الگوهای مختلفی از هجینگ را در دیپلماسی اقتصادی خود پیاده‌سازی کنند.

در این پژوهش، به مقایسه دو کشور ایران و عربستان سعودی پرداخته می‌شود که هر یک به طور متفاوتی به دنبال تحقق هجینگ در برابر تهدیدات جهانی هستند. با توجه به اینکه ایران و عربستان هر دو دارای اقتصادهای نفتی بوده و در عین حال از نظر جغرافیایی در منطقه غرب آسیا قرار گرفته‌اند، بحث‌ها پیرامون الگوهای توسعه دو کشور طی سال‌های اخیر بسیار رونق یافته است. برخی معتقدند الگوی عربستان به دلیل وابستگی به غرب پایدار نیست و برخی دیگر نیز معتقدند ایران نمی‌تواند بدون ارتباط با غرب، مسیر توسعه را هموار کند. این در حالی است که دو کشور از دیرباز به عنوان دو الگوی متفاوت از نظر دولت اسلامی را در جهان ارایه داده‌اند. از این رو، رقابت دیرینه نیز سبب شده تا همواره بررسی موضوعات گوناگون در سطح سیاسی و اقتصادی میان دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار باشد. لذا نویسندگان تصمیم گرفته‌اند تا دیپلماسی اقتصادی ایران را با دولت سعودی مقایسه کنند. سؤال اصلی پژوهش این است که عربستان سعودی و ایران هر یک چه الگوی هجینگ را دنبال می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند به درک بهتر سیاست‌های اقتصادی این دو کشور و همچنین چالش‌هایی که در این راستا با آن مواجه هستند، کمک کند. این پژوهش از روش تحقیق تطبیقی استفاده می‌کند. در این پژوهش به مقایسه و تحلیل سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و عربستان سعودی در زمینه هجینگ پرداخته می‌شود. گردآوری اطلاعات در این پژوهش از طریق روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد که شامل بررسی اسناد، مقالات علمی، کتاب‌های تخصصی و منابع آماری داخلی و خارجی است. هدف این پژوهش بررسی تفاوت‌ها، مزایا و آسیب‌پذیری‌های رویکردهای دو کشور ایران و عربستان سعودی در زمینه هجینگ است.

این پژوهش به تحلیل نحوه پیاده‌سازی این رویکردها در دیپلماسی اقتصادی، مزیت‌ها و چالش‌های موجود، و محدودیت‌هایی که هر کشور در پیشبرد این استراتژی‌ها با آن مواجه است، می‌پردازد. در نهایت، این پژوهش به دنبال ارائه پیشنهادها برای بهبود سیاست‌های اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی دو کشور در راستای تقویت هجینگ در برابر تهدیدات خارجی است. ضرورت این پژوهش به دلیل افزایش فشارهای اقتصادی و تحریم‌های جهانی، به‌ویژه در شرایط بحران‌های جهانی و تنش‌های سیاسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درک الگوهای هجینگ می‌تواند به کشورهای جنوب جهانی کمک کند تا استراتژی‌هایی مؤثر برای کاهش وابستگی به قدرت‌های جهانی و تقویت موقعیت اقتصادی خود در عرصه جهانی طراحی کنند.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با الگوهای هجینگ در کشورهای جنوب جهانی، مقالات متعددی به تحلیل و بررسی این رویکرد پرداخته‌اند. اما، در حوزه تحلیل رویکرد هجینگ از منظر دیپلماسی اقتصادی، با تمرکز بر روش مطالعاتی تطبیقی، پژوهشی صورت نگرفته است. در ادامه به بررسی مقالاتی که در حوزه موضوع پژوهش حاضر به نگارش در آمده‌اند می‌پردازیم:

نعمتی و دیگران (۱۳۹۹) (Na'mati and et al, 2020) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل و بررسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اقتصادی با رویکرد هجینگ در منظومه دفاع غیرعامل» با هدف ارزیابی اقدامات پیش‌بینی شده اقتصادی در سند الگوی پایه پیشرفت، به این نتیجه رسیدند که از منظر پدافند اقتصادی، این سند فاقد راهکارهای سیاستی برای مقابله با این مسئله است. این سند، با عدم در نظر گرفتن نقاط ضعف ساختار اقتصادی کشور، بستر مورد نیاز برای پیگیری سیاست‌های هجینگ را فراهم نمی‌آورد. این پژوهش، با تحلیل سند فوق‌الذکر، به ارائه راهکارهایی برای رفع نقاط ضعف این سند، ایجاد و مدیریت سیاست هجینگ در کشور پرداخته و اشاره‌ای به تحلیل این رویکرد از منظر دیپلماسی اقتصادی و فرصت‌های بین‌المللی نکرده‌اند.

هادیان رسانانی (۲۰۲۴) (Hadian Rasanani, 2024) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط عربستان سعودی با چین و روسیه، پوشش و افزایش قدرت نسبی در میان جدایی آمریکا از غرب آسیا: پیامدها، تغییر و تداوم» با بررسی وابستگی منحصراً عربستان سعودی به ایالات متحده، به رویکرد نوین این کشور پس از روی کار آمدن بن سلمان می‌پردازد. به ادعای این پژوهش، از زمان

ظهور بن سلمان، عربستان سعودی روابط خود را با اعضای دائمی غیرغربی شورای امنیت سازمان ملل توسعه داده است. این مطالعه ادعا می‌کند که این تحول از طریق مصون سازی استراتژیک، با پیامدهای منطقه‌ای و جهانی صورت گرفته است. ادعا می‌شود که عربستان سعودی برای ایجاد تعادل در روابط خارجی خود با آمریکا و دستیابی به برتری منطقه‌ای، سیاست خارجی مثلی را از اتخاذ سیاست مصون سازی اجرا نموده است. این پژوهش، با تحلیل موضوعی، به بررسی راه‌های اتخاذ سیاست هجینگ، دلایل و انگیزه‌های آن در عربستان سعودی پرداخته و به تحلیل ابعاد اقتصادی و تأثیر آن بر الزامات دیپلماسی اقتصادی این کشور نمی‌پردازد.

تاجه‌بند و سمیعی نسب (۱۴۰۰) (Tajeband & Samii Nasab, 2021) در مقاله‌ای تحت عنوان «منظومه مصون سازی اقتصاد کشور در شرایط تحریم اقتصادی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله در راستای تحقق دو اصل استقلال اقتصادی و عزت اسلامی» با تشریح پدیده جنگ اقتصادی، به تبیین اندیشه مقام معظم رهبری در خصوص راهکارهای مقابله با این مسئله پرداخته است. این پژوهش، با بکارگیری رویکرد تحلیل مضمون، به استخراج رویکرد تعاملی مقام معظم رهبری در مواجهه با تحریم‌ها و حفظ استقلال اقتصادی و عزت اسلامی اقدام نموده است. پژوهش حاضر، اشاره‌ای به ابعاد دیپلماتیک و فرصت‌های پیش رو در فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی کشور از منظر مقام معظم رهبری نمی‌کند.

۳. هجینگ

مفهوم هجینگ از علم اقتصاد سرچشمه می‌گیرد (Fusaro & James, 2005: 80). در دهه ۱۹۴۰، اقتصاددانان این مفهوم را پیشنهاد و اصلاح کردند. نظریه هجینگ تا دهه ۱۹۶۰ به یک اصل اساسی در حوزه مالی تبدیل شد. درحالی‌که این مفهوم در دهه ۲۰۰۰ در آثار پژوهشگران روابط بین‌الملل ظاهر شد، تحلیلگران استراتژیک و سیاست‌گذاران نیز به طور فزاینده‌ای به مفهوم هجینگ علاقه نشان دادند، به‌طوری‌که اکثر کاربردهای این مفهوم منعکس‌کننده دیدگاه‌های سیاسی ایالات متحده بودند (Akçadağ Alagöz, 2017: 65). باین حال، سیاست هجینگ در روابط بین‌الملل به‌وضوح تعریف نشده است. در فقدان یک تعریف مشترک، سیاست هجینگ مفهومی ناقص به نظر می‌رسد. اگر چه مطالعات متعددی درباره سیاست هجینگ وجود دارد، اما اجماعی درباره تعریف‌ها، انگیزه‌ها، شرایط و الگوهای آن وجود ندارد (Koga, 2017: 660-663). به همین دلیل، ماهیت سیاست هجینگ هنوز به طور کامل مورد بررسی قرار

نگرفته است. سیاست هجینگ را می‌توان به‌عنوان موضعی تعریف کرد که در آن کشورها تلاش می‌کنند زیان‌ها یا سودهای احتمالی را هماهنگ کنند. این استراتژی به کشورهایی که از لحاظ توانایی در اتخاذ استراتژی‌های دیگری نظیر متوازن‌سازی، همراهی یا انتقال مسئولیت به دیگران محدود هستند، امکان می‌دهد در برابر خطرات، عدم قطعیت‌ها و چالش‌های احتمالی آماده شوند. با این رویکرد، کشور می‌تواند در صورت تیره‌شدن روابطش با قدرت مسلط در نظام تک‌قطبی، امنیت خود را حفظ کرده و حتی ارتقا دهد (Gonzalez-Pujol, 2024: 193-214).

اولین‌گو سیاست هجینگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از استراتژی‌ها که هدفشان جلوگیری از برنامه‌ریزی برای شرایط اضطراری در موقعیت‌هایی است که کشورها نمی‌توانند گزینه‌های روشن‌تر مانند متوازن‌سازی، همراهی یا بی‌طرفی را انتخاب کنند.» در چنین وضعیتی، کشورها می‌کوشند یک موقعیت میانی را پرورش دهند که آن‌ها را از انتخاب آشکار بین یک طرف به زیان طرف دیگر باز دارد یا به تأخیر بیندازد (Goh, 2005: 60-85). روی نیز سیاست هجینگ را باز نگه‌داشتن چندین گزینه استراتژیک برای مواجهه با احتمال تهدید امنیتی در آینده توصیف می‌کند (Roy, 2005: 205-322). این تعریف تأکید نمی‌کند که آیا کشور تصمیم به جانب‌داری گرفته است یا نه بلکه بر حفظ و گزینه‌های متعدد و انعطاف‌پذیری دیپلماتیک در سیاست خارجی تمرکز دارد. تعریف دقیق‌تر، توسط چنگ - چوی کویک ارائه شده است. وی، سیاست هجینگ را به‌عنوان رفتاری که در آن یک کشور تلاش می‌کند با دنبال کردن گزینه‌های سیاست‌گذاری متعدد که اثرات متقابل و متضاد ایجاد می‌کنند، خطرات را تحت شرایط عدم قطعیت‌های بالا و مخاطرات زیاد جبران کند، تعریف می‌کند (Kuik, 2018: 163).

تعریف کویک از سیاست هجینگ، دقیق‌ترین تعریف تا به امروز است و به ما امکان می‌دهد درباره کاربردهای این سیاست فکر کنیم. هجینگ یک مفهوم رایج در نظریات روابط بین‌الملل است که برای تحلیل استراتژی‌ها و رفتار مشخص سیاست خارجی کشورها به کار می‌رود. این رویکرد عمدتاً برای کشورهای کوچک و قدرت‌های متوسط طراحی شده تا بتوانند از همکاری با قدرت‌های بزرگ بهره‌مند شوند بدون اینکه به طور واضح با یکی از آن‌ها همسو شوند (Gerstl, 2022: 150-155). طبق نظریه موزانه قدرت نورنالیستی والتز، کشورهای کوچک‌تر برای حفظ اختیارات استراتژیک خود می‌توانند با یک قدرت بزرگ ائتلاف کنند یا به یک ائتلاف برای مقابله با یکی از قدرت‌های بزرگ بپیوندند. والتز بر موازنه‌سازی

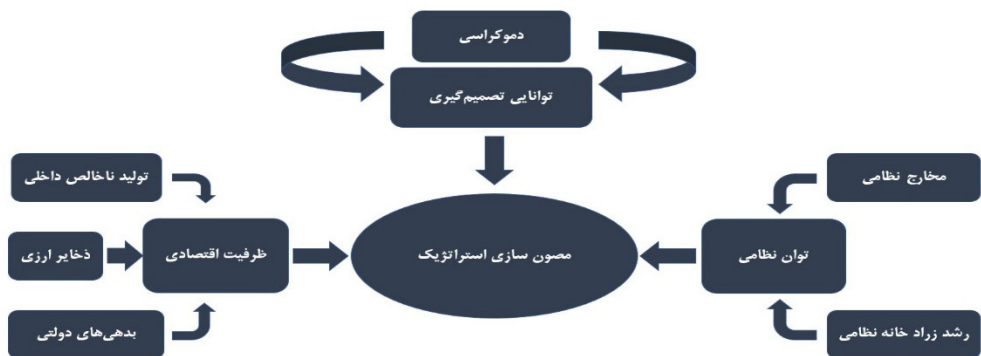
در برابر یک قدرت در حال ظهور تأکید داشت، اما این دیدگاه همیشه در میان پژوهشگران مورد بحث و چالش قرار گرفته است (Waltz, 1979: 76).

رویکرد هجینگ به طور مفهومی چالش‌هایی را برای دوگانه سنتی موازنه‌سازی و همراهی با قدرت‌ها در نظریه توازن قدرت ایجاد می‌کند. در این رویکرد، به جای پیروی از یک استراتژی صرفاً موازنه‌سازی یا همراهی‌کننده، قدرت‌های کوچک و متوسط می‌توانند ترکیبی از هر دو رویکرد را به کار بگیرند تا خود را در برابر تغییرات ناگهانی در رفتار قدرت‌های بزرگ و ریسک‌های موجود در نظام بین‌الملل محافظت کنند (Haacke, 2019: 381-388).

نظریه هجینگ در واقع مفاهیم متضاد را در یک چارچوب نظری جدید با هم تلفیق می‌کند، اما این تلفیق می‌تواند موجب ابهام در درک مفهوم هجینگ شود، به‌ویژه اگر تمایز نظری بین مصون‌سازی و موازنه‌سازی به‌درستی تعریف نشده باشد. به عقیده کوئیک (Kuik, 2018: 163)، مصون‌سازی را می‌توان به‌عنوان رفتاری که در آن یک کشور تلاش می‌کند با دنبال کردن گزینه‌های سیاستی متعدد، ریسک‌ها را جبران کند و تأثیرات متقابل و متعادل‌کننده‌ای ایجاد نماید، تعریف کرد. هاکه و کورولیوف نیز در پژوهش‌های خود به این چالش‌ها اشاره کرده‌اند. هدف کاهش تهدیدات، نقطه آغازین مفهوم‌سازی هجینگ را در روابط بین‌الملل شکل می‌دهد. بر این اساس، در روابط بین‌الملل، هجینگ می‌تواند در ساده‌ترین شکل خود به‌عنوان یک راهبرد مدیریت ریسک در نظر گرفته می‌شود (Haacke, 2019: 377).

درک این مفهوم ایجاب می‌کند که رویکرد هجینگ به یک بعد سیاسی - دیپلماتیک، امنیتی یا اقتصادی محدود نباشد. یک راهبرد موفق در این زمینه باید سیاست‌ها و رویکردهایی را از هر سه حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی ترکیب کند تا برای کاهش ریسک‌ها و به حداکثر رساندن فرصت‌ها آماده باشد. باین‌حال، برخی نظریه‌پردازان دیدگاه محدودتری دارند و معتقدند که مفهوم هجینگ باید صرفاً بر حوزه امنیتی یا غیرامنیتی متمرکز باشد (Lim & Cooper, 2015: 700). در این صورت، با حذف یکی از دو ستون اساسی از تحلیل رفتار هجینگ، بررسی کامل سیاست‌های اعمال‌شده ناممکن می‌شود. تنوع تجاری، ارتقای کیفیت و تنوع‌بخشی به بخش‌های تولید داخلی اغلب به هم مرتبط هستند. تجارت معمولاً عامل کلیدی در پشت تنوع اقتصادی است. استدلال این است که با در نظر گرفتن تغییرات احتمالی در توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای و معضل امنیتی مداوم خاورمیانه، ایران و عربستان سعودی ترجیح داده‌اند سیاست

هجینگ را به جای متوازن سازی یا همراهی اجرا کنند (El-Dessouki & Mansour, 2023: 394-407). بر این اساس، استراتژی هجینگ ایران و عربستان سعودی بر دو اصل پیگیری استراتژی های تدافعی برای تضمین امنیت خود و تقویت اتحاد منطقه ای برای دفع ریسک های احتمالی ناشی از پویایی های در حال تغییر خاورمیانه استوار است.



نمودار ۱. مؤلفه های مصون سازی استراتژیک

۴. الگوهای هجینگ در جنوب جهانی

پس از تبیین نظری مفهوم هجینگ که در ادبیات کنونی سیاست بین الملل مورد استقبال فراوانی قرار گرفته، می توان به بررسی جزئی تر این رویکرد در میان کشورها به عنوان بازیگران کلیدی نظام بین الملل پرداخت.

۴-۱. هجینگ مقاوم^۱

هجینگ مقاوم، مفهومی برگرفته از مدیریت ریسک مالی است. در حال حاضر، این مفهوم به چارچوبی راهبردی و نیرومند تبدیل شده که بسیاری از کشورها آن را در سیاست گذاری و حکمرانی خود به کار می برند (Araghchi and et al, 2024: 1-28). در حوزه مالی، هجینگ مقاوم، به معنای طراحی استراتژی هایی برای محافظت از دارایی ها در برابر بدترین سناریوها است، به ویژه زمانی که رفتار دقیق بازار یا احتمال وقوع رویدادها در حالت ناشناخته قرار دارد. در سطح سیاست

1. Robust Hedging

ملی، این مفهوم به ابزاری برای مدیریت عدم قطعیت‌ها، پیچیدگی و بی‌ثباتی‌های سیستماتیک در نظام بین‌المللی تبدیل می‌شود (Haacke, 2019: 357-417). در سیاست خارجی، هجینگ مقاوم، در قالب عدم تعهد راهبردی یا چندجانبه‌گرایی مشاهده می‌شود. در این رویکرد، کشورها روابط متوازنی با قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا برقرار می‌کنند، بدون آن‌که وابسته به هیچ‌یک باشند (Onzalez-Pujol, 2024: 193-214).

این رویکرد به‌جای تکیه بر پیش‌بینی، بر تاب‌آوری تمرکز دارد و کشور را برای مواجهه با شوک‌ها و دگرگونی‌های نظم بین‌الملل آماده می‌سازد. برای بسیاری از کشورهای جنوب جهانی، هجینگ مقاوم نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است (Koga, 2017: 633-660). این دیدگاه، نظام بین‌المللی را نامطمئن، ناپایدار و نابرابر می‌داند و کشورها را برای بقاء، تاب‌آوری و حفظ عاملیت در شرایط غیرقابل پیش‌بینی آماده می‌سازد (Novikova, 2022). در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای گسسته، متزلزل و پر مخاطره شده، هجینگ مقاوم رویکردی واقع‌بینانه، محتاطانه و تطبیق‌پذیر برای حکمرانی ملی در قرن بیست‌ویکم به‌شمار می‌رود.

۴-۲. هجینگ واکنشی^۲

هجینگ واکنشی در سیاست خارجی به رویکردی استراتژیک گفته می‌شود که طی آن یک کشور تنها پس از وقوع تهدیدها، خطرات یا تحولات بین‌المللی، اقدام به اتخاذ تدابیر سیاسی، امنیتی یا اقتصادی می‌کند. برخلاف استراتژی‌های پیش‌دستانه که به دنبال پیش‌بینی و جلوگیری از خطرات آینده هستند، در هجینگ واکنشی، اقدامات در پاسخ به شرایط واقعی و ملموس صورت می‌گیرند (Nye, 2017: 3). این رویکرد نوعی مدیریت ریسک است که بر مهار پیامدها و کاهش خسارات پس از بروز تهدیدات تمرکز دارد. این کشورها معمولاً از تعهدات زود هنگام به قدرت‌های جهانی یا اتحادهای خاص خودداری می‌کنند تا از گرفتار شدن در درگیری‌های ژئوپولیتیک یا رقابت قدرت‌های بزرگ مصون بمانند. آن‌ها اغلب به‌صورت تاکتیکی، روابط دیپلماتیک، امنیتی یا اقتصادی خود را تا زمان فوران یک بحران یا تهدید واقعی، بی‌طرف یا باز نگه می‌دارند. به عبارتی، آن‌ها واکنش خود را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که در عین حفظ حداکثر مانور، کمترین هزینه را متحمل شوند. مزیت‌های این رویکرد شامل حفظ استقلال عمل، افزایش انعطاف دیپلماتیک، کاهش هزینه‌های فوری و توان چانه‌زنی بیشتر در

2. Reactive Hedging

برابر قدرت‌های بزرگ است. اما این استراتژی بدون خطر نیست. تأخیر در واکنش می‌تواند موجب از دست رفتن فرصت‌ها، افزایش آسیب‌پذیری در مراحل اولیه بحران، یا تحمیل شرایط نامطلوب در لحظه‌های بحرانی شود. همچنین تداوم رفتار واکنشی ممکن است به تضعیف نهادهای تصمیم‌سازی استراتژیک، از دست دادن قابلیت شکل‌دهی به محیط بین‌المللی و کاهش اعتماد دیگر بازیگران منجر شود (Yin, 2022: 292-307). این سیاست به وضعیتی اشاره دارد که دولت‌ها پس از یک واکنش اولیه، مانند صدور بیانیه، مشارکت نمادین در ائتلاف‌ها یا برقراری تماس‌های دیپلماتیک، به‌صورت عامدانه از دنبال کردن مستمر و عمیق آن مسیر خودداری می‌کنند (Ciorciari and et al, 2019: 367-374).

۳-۴. هجینگ منسجم^۳

هجینگ منسجم راهبردی در سیاست خارجی است که از سوی کشورها، به‌ویژه قدرت‌های میانه و کشورهای جنوب جهانی، برای حفظ خودمختاری، افزایش انعطاف‌پذیری راهبردی و مدیریت عدم قطعیت‌ها در جهانی چندقطبی روبه رشد اتخاذ می‌شود. برخلاف رویکردهای هجینگ واکنشی و مقاوم که اغلب ناهماهنگ، موقتی یا پاسخ‌محور هستند، هجینگ منسجم با انسجام درونی، چشم‌انداز بلندمدت و هماهنگی نهادی مشخص می‌شود (Lai and et al, 2020: 277-304).

با این حال، هجینگ منسجم با چالش‌هایی نیز همراه است. عدم شفافیت می‌تواند موجب سوء برداشت شرکای خارجی شود و پرسش‌هایی درباره وفاداری کشور به‌وجود آورد. تعدد تعهدات ممکن است توان دیپلماتیک را فرسوده یا موجب تعارض در اولویت‌های داخلی شود. برای رفع این چالش‌ها، این راهبرد نیازمند ارتباطات راهبردی قوی، ثبات در سیاست‌گذاری میان دولت‌های متوالی و اهداف شفاف بلندمدت است. جهانی که با رقابت‌های راهبردی، وابستگی‌های اقتصادی متقابل و پراکندگی قدرت مشخص می‌شود، هجینگ منسجم راهبردی پیچیده و آینده‌نگر است که به کشورها اجازه می‌دهد از انتخاب‌های دوگانه پرهیز کنند، عاملیت استراتژیک خود را حفظ کنند و در شکل‌دهی به نظم بین‌الملل نقشی فعال ایفا نمایند. این رویکرد نوعی تبدیل ابهام به مزیت و تنوع به پایداری است. هجینگ منسجم راهبردی آینده‌نگر است که کشورهای جنوب جهانی برای مدیریت عدم قطعیت‌های نظم جهانی چندقطبی، افزایش انعطاف‌پذیری راهبردی و حفظ استقلال ملی خود به‌کار می‌گیرند (Chris-).

3. Coherent Hedging

(tensen and et al, 2020). این رویکرد تقسیم کار راهبردی، از وابستگی بیش از حد به یک کشور خاص جلوگیری می‌کند و قدرت چانه‌زنی را افزایش می‌دهد.

جدول ۱. الگوهای متداول هجینگ در جنوب جهانی

الگو	الزامات	نقاط قوت	نقاط ضعف
هجینگ مقاوم	* ابهام راهبردی و انعطاف‌پذیری	* کاهش ریسک	* نفوذ راهبردی محدود
	* توسعه ظرفیت‌های ملی	* افزایش قدرت چانه‌زنی	* برداشت منفی از ابهام و دوگانگی رفتاری
	* روابط دیپلماتیک متنوع	* تنوع اقتصادی	* هزینه بالای منابع و هماهنگی
هجینگ واکنشی	* حساسیت بالا نسبت به شوک‌های خارجی	* سازگاری در محیط غیرقابل پیش‌بینی	* فقدان انسجام راهبردی
	* پرهیز از تعهدات راهبردی بلندمدت	* کم هزینه بودن	* کاهش اعتبار بین‌المللی
	* هماهنگی و ثبات داخلی	* پرهیز از تعهدات سنگین	* خطر انزوای بین‌المللی
هجینگ منسجم	* هماهنگی درون ساختاری	* مدیریت متوازن ریسک‌ها	* کاهش انعطاف‌پذیری در محیط‌های ناپایدار
	* روابط متوازن و متنوع	* تقویت نهادها و انسجام داخلی	* احتمال پیش‌بینی پذیری
	* اجماع و مشروعیت داخلی	* تقویت ثبات داخلی	* دشواری در حفظ اجماع داخلی

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. هجینگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. پیشینه تاریخی

تحول اساسی در جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سرآغاز دوره‌ای نوین در رویکردهای اقتصادی کشور بود. این تحول

با تأکید بر اصول استقلال، خوداتکایی، و تقویت مقاومت در برابر فشارهای خارجی، به‌ویژه در عرصه سیاست بین‌الملل، بازتابی از رویکردی مبتنی بر هویت محوری و نفی وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌شمار می‌رود (Clingendael Institute, 2025: 3). با وجود تلاش‌های صورت گرفته، استمرار برخی چالش‌های ساختاری مانند پیچیدگی نظام بروکراتیک، ضرورت اصلاحات در بخش بانکی، و کارآمدسازی بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت، تحقق کامل اهداف پیش‌بینی شده را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است (Washington Institute, 2025: 6). با این حال، استمرار نگاه درون‌زا، ظرفیت‌سازی فناورانه، و تقویت پیوندهای منطقه‌ای، چشم‌انداز مثبتی برای تقویت تاب‌آوری اقتصاد ملی در برابر شرایط متغیر بین‌المللی ترسیم می‌کند.

۲-۵. مؤلفه‌های هجینگ دیپلماسی اقتصادی ایران

مهمترین ارکان هجینگ اقتصادی در ایران می‌تواند شامل موارد ذیل شود.

۱-۲-۵. همکاری جنوب-جنوب

سیاست بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های همکاری‌های جنوب-جنوب^۴ (SSC)، بازتاب نوعی راهبرد در حوزه دیپلماسی اقتصادی است که با هدف کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌های بین‌المللی و کاستن از وابستگی ساختاری به نظم اقتصاد جهانی تحت سیطره کشورهای شمال اتخاذ شده است. در این چارچوب، ایران با تأکید بر اصولی چون منافع متقابل، همبستگی توسعه‌محور و تقویت استقلال اقتصادی، در پی بازتعریف جایگاه خود در نظم اقتصاد سیاسی جهانی است؛ نظامی که به‌زعم نظریه‌پردازانی چون رائل پریش^۵ و ایمانوئل والرشتاين^۶، بر الگوی مرکز-پیرامون استوار بوده است. از این منظر، همکاری‌های جنوب-جنوب صرفاً به‌مثابه بدیلی مفهومی برای الگوهای نتولیرال توسعه تلقی نمی‌شود، بلکه در مقام ابزاری ژئواستراتژیک، کارکردی بازدارنده نیز ایفا می‌کند و به‌عنوان سپری در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی قدرت‌های غربی عمل می‌نماید (Hochmüller & Müller, 2025: 1-21). سیاست‌گذاران ایرانی با آگاهی از محدودیت‌های چندجانبه‌گرایی نهادینه‌شده، ترجیح می‌دهند به‌جای تعهد به نهادهای چندجانبه پرهزینه، بر ترتیبات دوجانبه یا چندجانبه محدود تمرکز

4. South-South Cooperation

5. Raúl Prebisch

6. Immanuel Wallerstein

کنند؛ ترتیباتی که امکان انعطاف‌پذیری بیشتر در انطباق با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد و از گرفتار شدن در وابستگی‌های جدید ساختاری جلوگیری می‌کند. این رویکرد بیانگر نوعی واقع‌گرایی عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران است که در آن تلفیقی از ملاحظات نظری و الزامات اجرایی دیده می‌شود (Fazel, 2023: 217-235).

ماهیت متکثر تعاملات جمهوری اسلامی ایران در چارچوب همکاری‌های جنوب-جنوب (SSC) نشان‌دهنده اتخاذ یک راهبرد هدفمند برای تنوع‌بخشی به مخاطرات اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک است. برخلاف رویکردی که کشورهای جنوب را به عنوان یک بلوک همگن و یک‌دست در نظر می‌گیرد، سیاست‌گذاران ایرانی با توجه به تفاوت‌ها و ساختارهای سلسله‌مراتبی موجود در میان این کشورها، به‌ویژه با لحاظ نمودن روندهای نابرابری و توزیع نامتقارن قدرت در میان اعضای جنوب جهانی، تلاش می‌کنند فرصت‌های موجود را به صورت استراتژیک مدیریت و بهره‌برداری کنند (Hochmüller & Müller, 2025: 1-21).

این رویکرد در قالب مدل‌های متنوع همکاری خود را نشان می‌دهد؛ از مشارکت‌های انرژی‌محور با ونزوئلا، همکاری‌های فنی با کشورهای آفریقایی، تا توافقات امنیتی غذایی با جمهوری‌های آسیای مرکزی. این تعاملات کارکردهای چندلایه‌ای دارند؛ نخست، تضمین تأمین منابع اقتصادی حیاتی، همچون مبادلات نفت در برابر کالا که به عنوان راهکاری برای دور زدن تحریم‌های مالی عمل می‌کند و دوم، ایجاد و تقویت شبکه‌های سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که با مواضع ضد سلطه‌گرانه جمهوری اسلامی ایران همسو هستند. از سوی دیگر، وجه تمایز این همکاری‌ها در به‌کارگیری سازوکارهای مالی جایگزین است که امکان عبور از نظام مالی مبتنی بر دلار آمریکا را فراهم می‌سازد. این سازوکارها نشان‌دهنده کارکردهای همکاری‌های جنوب-جنوب فراتر از حوزه‌های صرفاً سیاسی و اقتصادی بوده و آن را به عنوان ابزاری برای مقابله با هژمونی مالی و ارزی ایالات متحده معرفی می‌کنند (Rahimi, 2023: 789-813). این تجربه، الگویی از همکاری‌های مالی جایگزین را نمایان ساخته که در راستای تقویت استقلال اقتصادی و عبور از محدودیت‌های نظام مالی سنتی بین‌الملل تفسیر می‌شود. در واقع جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا الگوی شرق‌گرایی در سیاست خارجی خود را با عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای، متوازن سازد.

جدول ۲. همکاری جنوب-جنوب در دیپلماسی اقتصادی ایران

سازوکار همکاری	اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران	نتایج و پیامدهای اقتصادی حاصل شده
برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله با چین	تأمین امنیت انرژی، ادغام ساختاری در ابتکار «کمربند و راه» چین	دستیابی به ۱۴٫۸ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی به چین؛ بهره‌گیری از مدل تهاثر نفت با فناوری و زیرساخت چینی
عضویت در گروه بریکس (۲۰۲۳)	کاهش وابستگی به دلار، بهره‌گیری از منابع مالی جایگزین	گسترش تجارت بر پایه یوان چین؛ استفاده از منابع مالی توسعه‌ای کشورهای عضو برای طرح‌های زیرساختی
سازمان همکاری شانگهای	ارتقاء پیوندهای منطقه‌ای، تقویت همکاری‌های امنیتی و اقتصادی	جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نیروگاهی؛ توسعه کریدورهای حمل‌ونقل و تقویت پیوندهای تجاری با آسیای مرکزی
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	بهره‌مندی از تعرفه‌های ترجیحی، تقویت صادرات محصولات کشاورزی	توسعه کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب؛ تسهیل تجارت دریایی در حوزه خزر و افزایش صادرات به اعضای اتحادیه

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۲. همسایه‌گزینی در شراکت‌های اقتصادی

در چارچوب نظریه‌ه‌جینگ، انتخاب همسایگان به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی اما کمتر مورد توجه در حوزه دیپلماسی اقتصادی کشورهای مواجهه با بی‌ثباتی‌های ساختاری مطرح است. جمهوری اسلامی ایران که تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی به‌سر می‌برد، به‌منظور کاهش ریسک‌های ناشی از این فشارها، راهبرد توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای همسایه را به‌عنوان یک سیاست هدفمند در پیش گرفته است. این سیاست که به‌طور رسمی تحت عنوان «سیاست همسایگی» در دولت سیزدهم نهادینه شده، بر بازسازی و تقویت روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای منطقه تأکید دارد تا اثرات مخرب تحریم‌های تحمیلی کاهش یافته و هم‌زمان از وابستگی استراتژیک کامل

به بازیگران شرقی پرهیز شود. این رویکرد هجینگ مبتنی بر همسایگی، برخلاف سیاست دنباله روی، به سمت تنوع بخشی حرکت می کند؛ به گونه ای که با تعمیق راهبردهای اقتصادی و توسعه مسیرهای تجاری با همسایگان جغرافیایی، به دنبال حفظ کانال های حیاتی اقتصادی و در عین حال تضمین حفظ استقلال ایدئولوژیک کشور است (Korolev, 2023: 211-239).

جدول ۳. مولفه های کلیدی راهبرد هجینگ مبتنی بر همسایگی جمهوری اسلامی ایران

هدف	ابزار	کشورهای هدف	نقش هجینگ
مقابله با تحریم های اقتصادی	توافقی های تجاری دو یا چندجانبه	ترکمنستان، روسیه	تنوع بخشی اقتصادی
کاهش تنش های منطقه ای	عادی سازی روابط دیپلماتیک	عربستان سعودی، امارات	کاهش ریسک انزوا
تضمین امنیت انرژی	پروژه های زیرساختی مشترک	عراق، عمان	کاهش آسیب پذیری در برابر محاصره

منبع: یافته های پژوهش

۵-۲-۳. ایستادگی در برابر تحریم

واکنش جمهوری اسلامی ایران به تحریم های بین المللی را می توان نمونه ای از به کارگیری «راهبرد هجینگ» در سیاست خارجی دانست؛ رویکردی سنجیده که در فاصله ای میان تقابل مستقیم با نظام بین الملل و پذیرش کامل مطالبات قدرت های تحریم کننده قرار دارد. هدف این راهبرد، حفظ ثبات سیاسی و امنیت ملی در کنار کاهش هزینه های اقتصادی ناشی از فشارهای خارجی است. در این چارچوب، ایران با تکیه بر گسترش روابط دیپلماتیک با بازیگران متنوع بین المللی، تقویت سازوکارهای اقتصاد مقاومتی، و بهره گیری از ظرفیت های ساختاری اقتصاد داخلی، تلاش کرده است تا هم زمان با مدیریت تبعات تحریم ها، اهداف کلان خود را در نظام بین الملل دنبال نماید. این نوع راهبرد را می توان در پرتو نظریه های واقع گرایی تدافعی در روابط بین الملل تحلیل کرد؛ نظریه ای که تأکید دارد دولت ها برای حفظ بقا، به جای رفتارهای تهاجمی، به اتخاذ سیاست های منعطف و واقع بینانه گرایش دارند. مطالعات اخیر نیز نشان می دهند که راهبرد هجینگ، به عنوان نوعی «راه سوم»، از سوی دولت هایی اتخاذ می شود که با تحریم نهادهای مالی و اقتصادی تحت سلطه غرب مواجه اند و ناچارند با بازتعریف نقش خود، مسیرهای جایگزین در نظم بین المللی بیابند (Moghaddasi Kelishomi & Nisticò, 2024; Eisenstadt, 2023: 10).

جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی، به جای اتخاذ رویکرد صرفاً تدافعی، راهبردی مبتنی بر نهاده‌سازی مقاومت فعال اتخاذ کرده است. در این چارچوب، ساختارهای رسمی و غیررسمی اقتصادی کشور به گونه‌ای بازآرایی شده‌اند که محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها را به فرصت‌هایی برای بازتعریف سازوکارهای اقتصادی تبدیل نمایند. این فرایند، تجلی عملی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که با هدف تقویت درون‌زایی اقتصاد ملی و کاهش وابستگی به منابع آسیب‌پذیر خارجی، به ایجاد زیرساخت‌های نهادی پایدار برای استمرار کارکردهای اساسی اقتصادی در شرایط پرمخاطره منتهی شده است. در این راستا، سازوکارهای اقتصادی و مالی کشور به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در مواجهه با شوک‌های خارجی، ظرفیت سازگاری مؤثری از خود نشان دهند (Mahmoudikia, 2022: 610-637).

۶. هجینگ در دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی

دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی از دیرباز در چارچوب وابستگی ساختاری به قدرت‌های خارجی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، تعریف شده است. توافق «نفت در برابر امنیت» که در سال ۱۹۴۵ میان ملک عبدالعزیز و رئیس‌جمهور فرانکلین روزولت منعقد شد، سنگ‌بنای ترتیباتی راهبردی را بنا نهاد که در آن، تأمین امنیت نظامی پادشاهی عربستان از سوی ایالات متحده در ازای دسترسی تضمین‌شده به منابع نفتی آن کشور صورت می‌گرفت. این چارچوب، موقعیت عربستان را به مثابه یکی از بازیگران کلیدی در منظومه ژئوپلیتیکی غرب تثبیت کرد (Lopesciolo et al., 2021: 12).

در دهه ۱۹۷۰، اتکای دولت به درآمدهای نفتی که بیش از ۹۰ درصد بود، ساختار یک اقتصاد رانتی را شکل داد؛ اقتصادی که آسیب‌پذیری آن در برابر نوسانات قیمت جهانی نفت، به‌عنوان یک چالش اساسی مطرح بود (Cortes et al., 2020: 5). در کنار نفت، گردشگری مذهبی مبتنی بر مناسک حج و عمره به‌عنوان منبع درآمدی مکمل ایفای نقش می‌کرد، اما ظرفیت این حوزه هرگز در حدی نبود که وابستگی اصلی به نفت را به‌طور معنادار کاهش دهد (Hani & Lopesciolo, 2021: 8).

تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ از سوی عربستان سعودی، نه تنها قدرت مانور این کشور در بهره‌گیری از نفت به‌عنوان یک ابزار ژئواقتصادی را برجسته ساخت، بلکه در سطحی عمیق‌تر، ناکارآمدی و شکنندگی ساختار اقتصادی مبتنی بر تک‌محصولی بودن را نیز نمایان کرد. (Cortes et al., 2020: 7). این مجموعه از چالش‌ها، زمینه‌ساز تغییر پارادایمی در سیاست‌گذاری

اقتصادی عربستان سعودی شد؛ به گونه‌ای که رویکردهای مبتنی بر تنوع‌بخشی به اقتصاد و تقویت همکاری‌های چندجانبه در حوزه روابط اقتصادی خارجی، به‌عنوان راهبردهای کلیدی برای ارتقای مصون سازی کشور در دستور کار قرار گرفتند.

در جدول ۴ به بررسی و تحلیل گزینه‌های کلیدی عربستان سعودی در چارچوب سیاست هجینگ پرداخته شده است. این سیاست با هدف کاهش ریسک‌های ناشی از وابستگی یک‌جانبه و حفظ منافع راهبردی در نظم جهانی نوین طراحی شده است. محور اصلی این راهبردها بر ایجاد توازن میان همکاری با ایالات متحده و گسترش مناسبات با قدرت‌های رقیب مانند چین و روسیه متمرکز است تا ضمن بهره‌مندی از حمایت‌های امنیتی، استقلال تصمیم‌گیری و توان چانه‌زنی دیپلماتیک ارتقا یابد.

جدول ۴. راهبردهای هجینگ عربستان سعودی در مدیریت روابط چندجانبه

سیاست‌های اتخاذ شده	اقدامات اصلی	اهداف کلان	نتایج و دستاورها
بازتعریف مناسبات با ایالات متحده آمریکا	حفظ مشارکت امنیتی مستمر همراه با مدیریت هوشمندانه تنش‌ها	اجتناب از قطع کامل روابط به منظور حفظ منافع بلند مدت همکاری	استمرار دریافت حمایت‌های امنیتی و تقویت قدرت چانه زنی در روابط دوجانبه
تنوع بخشی در روابط بین‌المللی	توسعه همکاری‌های با چین و روسیه در کنار حفظ روابط راهبردی با آمریکا	کسب اهرم در برابر قدرت‌های غربی و ارتقای جایگاه در معادلات قدرت جهانی	افزایش استقلال سیاسی و کاهش وابستگی صرف به بلوک غرب
سیاست تعامل همزمان با بازیگران رقیب	حفظ روابط نزدیک با آمریکا و توسعه همزمان مناسبات با رقبای آن	کاهش ریسک ناشی از وابستگی یک جانبه و افزایش انعطاف پذیری در سیاست خارجی	ایجاد توازن در روابط خارجی، تقویت خودمختاری سیاسی و افزایش توان چانه زنی
بهره برداری هوشمندانه از ساختارهای امنیتی موجود	استفاده هدفمند از ساختارها و توافقات امنیتی جاری با آمریکا همراه با تعامل فعال با قدرت‌های نوظهور	تقویت موقعیت عربستان سعودی در نظام چندقطبی در حال شکل گیری	حفظ جایگاه استراتژیک در نظام بین‌الملل و ارتقای نقش منطقه ای
مدیریت ریسک از طریق هجینگ	تعامل همزمان و کنترل شده با بازیگران متضاد به منظور مهار پیامدهای منفی احتمالی و افزایش فرصت‌ها	مدیریت همزمان تهدیدات و فرصت‌ها در فضای ژئوپلیتیک پیچیده و ناپایدار	افزایش تاب آوری دیپلماتیک و امنیتی در شرایط تغییرات ژئوپلیتیکی

منبع: یافته‌های پژوهش

۱-۶. همکاری جنوب - جنوب - شمال

دیپلماسی اقتصادی، ابزار اصلی عربستان سعودی در پیشبرد راهبرد هجینگ با محوریت پیوند جنوب- جنوب- شمال به شمار می‌رود و نقشی کلیدی در همگرایی اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ با تعاملات بین‌المللی این کشور ایفا می‌کند. در سیاست خارجی نوین عربستان، هم‌پیوندی ساختاری میان برنامه‌ریزی توسعه ملی و جهت‌گیری‌های خارجی شکل گرفته است (Chaziza & Lutmar, 2025: 5-17).

سیاست خارجی کنونی عربستان بر دو محور اساسی یعنی چندجانبه‌گرایی و تنوع‌بخشی اقتصادی همراه با دیپلماسی انرژی استوار است. اتکای راهبردی به این دو مؤلفه، زمینه‌ساز شکل‌گیری مجموعه‌ای از شراکت‌های راهبردی با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده و جایگاه عربستان را به‌عنوان یکی از بازیگران پیونددهنده در نظم اقتصادی جهانی تثبیت کرده است (Ali, 2025). این رویکرد شامل مشارکت فعال در پروژه‌ها و ابتکارات کلان زیرساختی و تجاری جهانی مانند طرح «کمربند و جاده» چین (BRI) و کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) است؛ این پروژه‌ها با هدف افزایش همبستگی منطقه‌ای و تسهیل جریان‌های تجاری طراحی شده‌اند (Kouleas, 2023: 1-37). علاوه بر این، رهبری عربستان در عرصه انرژی، به‌ویژه از طریق هماهنگی با روسیه در چارچوب اوپک پلاس، به‌عنوان رکن اساسی دیپلماسی اقتصادی کشور محسوب می‌شود که به تقویت راهبرد هجینگ کمک می‌کند (Ali, 2025: 3).

در این بستر، رویکرد جنوب- جنوب- شمال نه به‌عنوان مجموعه‌ای از مناسبات منفرد، بلکه به‌عنوان یک استراتژی هماهنگ و نظام‌مند جهت ارتقای تاب‌آوری ساختاری نظام بین‌الملل مطرح است. با تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی و مسیرهای تجاری، عربستان سعودی شبکه‌ای مستحکم و مقاوم ایجاد کرده است که توان مقابله با شوک‌ها و نوسانات ناشی از تغییر در هر یک از روابط یا جابه‌جایی قدرت‌های جهانی را دارا می‌باشد. به این ترتیب، دیپلماسی اقتصادی فعال عربستان، آسیب‌پذیری‌های ناشی از وابستگی به منابع نفتی یا اتکا به یک تأمین‌کننده امنیتی را به فرصت‌هایی برای افزایش نفوذ و قدرت تبدیل کرده و زمینه لازم برای تحقق ثبات پایدار و تحقق اهداف بلندمدت برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ را فراهم ساخته است (Chaziza & Lutmar, 2025: 14-17).

۶-۲. بازتعریف و مدیریت روابط با شمال جهانی: تضمین حفظ موقعیت راهبردی

در چارچوب استراتژی هجینگ، عربستان سعودی با رویکردی محتاطانه و هوشمندانه روابط تاریخی خود با قدرت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را بازتعریف و مدیریت می‌کند. با وجود تنش‌ها و ابهاماتی که در زمینه مسائلی همچون سیاست‌های نفتی، اصول دموکراتیک و حمایت‌های نظامی میان دو کشور رخ داده است (Kouleas, 2023: 18-23) عربستان همچنان اهمیت استراتژیک حفظ مشارکت امنیتی با ایالات متحده را به عنوان یک ستون کلیدی در سیاست خارجی خود می‌پذیرد (Chaziza & Lutmar, 2025: 3-17).

تلاش‌های عربستان سعودی در چارچوب استراتژی هجینگ با هدف کسب «اهرم فرمانطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر برای مواجهه با قدرت‌های منطقه‌ای و بزرگ»، از جمله ایالات متحده آمریکا، طراحی شده است (Hadian Rasanani, 2024: 877-916). این روند شامل ارتقای جایگاه کشور در مذاکرات با آمریکا از طریق تحکیم روابط با قدرت‌های نوظهوری مانند چین و روسیه است. (Kouleas, 2023: 23). این سیاست بیانگر تمایل به کسب خودمختاری و نفوذ بیشتر است، بدون اینکه به معنای تغییر کامل در محوریت روابط باشد. حفظ پیوندهای امنیتی حیاتی با ایالات متحده همراه با توسعه روابط جدید، به عربستان این امکان را می‌دهد که ضمن حفظ حمایت‌های راهبردی، فشار و چانه‌زنی بهتری بر شرکای سنتی خود وارد کند. این رویکرد دوگانه همچنین نقش مهمی در کاهش ریسک ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که با متنوع‌سازی روابط و کاهش وابستگی صرف به آمریکا، خطر از دست دادن کامل حمایت‌ها با حفظ ارتباطات امنیتی و اقتصادی حیاتی کنترل می‌شود. بدین ترتیب، حتی در حالی که مسیرهای جدیدی دنبال می‌شود، ساختارهای حمایتی موجود حفظ می‌گردند و بخش «شمال» در استراتژی همکاری‌های عربستان هم‌زمان به مدیریت وابستگی‌های کنونی و بهره‌برداری از فرصت‌های نوین می‌پردازد (Kuik & Jamil, 2024: 7-28).

۶-۳. دوری از تنش‌های منطقه‌ای و حل‌وفصل مناقشات

عربستان سعودی در پاسخ به پیچیدگی‌های امنیتی و اقتصادی منطقه، رویکرد خود را در سیاست خارجی منطقه‌ای بازتعریف کرده و با هدف کاهش تنش‌ها و جلوگیری از بروز بحران‌هایی که می‌توانند ثبات اقتصادی و سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار دهند، راهبردهای جدیدی اتخاذ نموده است.

۶-۳-۱. ایران

پس از دهه‌ها تنش و یک دوره هفت ساله قطع رابطه دیپلماتیک، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در مارس ۲۰۲۳ موفق به ازسرگیری روابط دیپلماتیک شدند؛ دستاوردی مهم که با میانجی‌گری چین تحقق یافت (Hadian Rasanani, 2024: 888). این توافق متضمن تعهدات متقابل به احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بود. روند گفت‌وگوهای سازنده که منجر به این بهبود روابط شد، از بغداد در آوریل ۲۰۲۱ آغاز و پس از ادامه مذاکرات در مسقط، نهایتاً در پکن به توافق نهایی منتهی گردید (Ekhtiari Amiri & Kalhori, 2025: 221-246).

تصمیم ریاض برای بازسازی روابط با تهران، تصمیمی عقلانی و منطبق با منافع ملی عربستان ارزیابی می‌شود، که در پی تقویت امنیت منطقه‌ای، تثبیت ثبات اقتصادی و ارتقاء جایگاه بین‌المللی کشور است. رهبران سعودی دریافتند که سیاست خصمانه مستمر علیه ایران، نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی آنان است، بلکه می‌تواند چشم‌انداز توسعه بلندمدت کشور را نیز به مخاطره اندازد (Hadian Rasanani, 2024: 883).

این نزدیکی راهبردی علاوه بر رفع نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی کوتاه‌مدت، نشانگر تغییر بنیادین در توازن قدرت منطقه‌ای است؛ تحولی که به سمت توسعه چارچوبی خوداتکا برای امنیت منطقه‌ای و کاهش وابستگی انحصاری به بازیگران فرامنطقه‌ای برای مدیریت تعارضات و مهار رقبا هدایت می‌شود. میانجی‌گری چین به‌عنوان یک قدرت غیرغربی و نوظهور، نمادی از این روند است که در آن بازیگران منطقه‌ای مدیریت امنیت خود را مستقیماً به دست گرفته و از الگوهای درگیری نیابتی فاصله می‌گیرند؛ روندی که با اتکا به منافع اقتصادی متقابل و جستجوی ثبات، به سمت همزیستی واقع‌بینانه در منطقه حرکت می‌کند (Harsono & Ceria, 2025: 84-96).

۶-۳-۲. یمن

مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن از سال ۲۰۱۵، بر پایه نگرش این کشور نسبت به جنبش انصارالله به عنوان تهدیدی مستقیم برای امنیت مرزهای جنوبی و نفوذ منطقه‌ای آن صورت گرفت. با این حال، پس از سال‌ها مواجهه با هزینه‌های سنگین انسانی و مالی و کسب نتایج استراتژیک محدود، ریاض به بازتعریف جدی سیاست خود پرداخت و اکنون اولویت خود را بر کاهش تنش‌ها و پیگیری راهکارهای دیپلماتیک متمرکز ساخته است (Ekhtiari Amiri & Kalhori, 2025).

246-221). روند دیپلماسی شامل مذاکرات مستقیم با نمایندگان انصارالله، که با میانجی‌گری عمان انجام شده است، و نیز رایزنی‌های مستمر با دولت رسمی و بین‌المللی یمن است که منجر به آغاز گفت‌وگوهای آتش‌بس شد (Bakir, 2022: 55-66).

این تغییر در سیاست عربستان از مداخله نظامی به سمت دیپلماسی فعال و حمایت‌های بشردوستانه، نشان‌دهنده پذیرش این واقعیت است که راه‌حل‌های صرفاً نظامی نه تنها ناکارآمد بلکه مانعی بر سر راه اهداف توسعه‌ای و اقتصادی بلندمدت عربستان در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ به شمار می‌روند. هزینه‌های انسانی و اقتصادی عظیم جنگ، همراه با ناکامی در کسب دستاوردهای استراتژیک، ضرورت تمرکز بر ثبات منطقه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری پایدار را برجسته می‌سازد. این رویکرد جدید، نمونه‌ای از تطبیق واقع‌بینانه سیاست خارجی است که در راستای اهداف نوسازی اقتصادی و اجتماعی داخلی تدوین شده است (Harsono & Ceria, 2025: 84-96). موفقیت راهبرد هجینگ عربستان به استمرار دیپلماسی فعال، توسعه همکاری‌های اقتصادی و مدیریت هوشمندانه در چارچوب نظام بین‌الملل چندقطبی بستگی دارد. این رویکرد، نقش عربستان را به عنوان معمار کاهش تنش‌های منطقه‌ای تثبیت کرده و به تقویت جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت میانه منطقه‌ای در مسیر تحقق صلح و توسعه پایدار می‌انجامد (Ekhtiari Amiri & Kalhori, 2025: 221-246).

۶-۴. برندسازی ملی نوین

در چارچوب سیاست هجینگ عربستان سعودی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای این کشور برای ایجاد توازن در محیط بین‌الملل و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحولات ژئوپلیتیک، بهره‌گیری از برندسازی مجدد ملی است. در واقع، تلاش برای بازتعریف تصویر عربستان در سطح جهانی، نه تنها جنبه‌ای تبلیغاتی یا نمادین ندارد، بلکه در راستای تقویت قدرت نرم و تنوع‌بخشی به منابع مشروعیت بین‌المللی این کشور صورت می‌گیرد. عربستان سعودی با درک موقعیت شکننده نظم منطقه‌ای و نیاز به کاهش وابستگی صرف به امنیت سخت، به‌سوی نوسازی تصویر ملی خود به‌عنوان یک بازیگر فرهنگی، فناوری‌محور و جهانی گام برداشته است (Chaziza & Lutmar, 2025: 4-16). توسعه گردشگری به عنوان یکی دیگر از ابزارهای کلیدی عربستان در بازتعریف برند ملی خود محسوب می‌شود. در این راستا، پروژه‌هایی مانند «دروازه الدرعیه» که بر احیای میراث تاریخی متمرکز است، «پروژه دریای سرخ» با رویکرد اکوتوریسم و «طرح

جامع العلا» که هدف آن تبدیل سایت‌های باستانی به مقاصد گردشگری بین‌المللی است، نقش مهمی در تقویت قدرت نرم و افزایش جذابیت فرهنگی عربستان سعودی ایفا می‌کنند (Filippi & Mazzetto, 2024: 1-17).

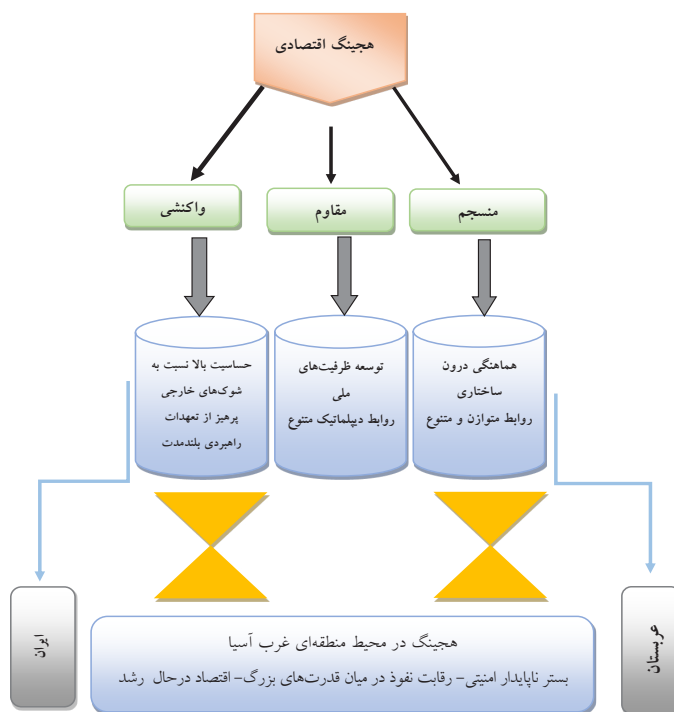
افزون بر این، تمرکز بر علم و فناوری در قالب میزبانی اجلاس‌های جهانی هوش مصنوعی، نمایشگاه فناوری لیب، و جشنواره بازی‌های رایانه‌ای، بازتابی از تلاش عربستان برای انتقال برند ملی خود از کشوری نفت‌محور به جامعه‌ای دانشی و نوآور است (Alsayel et al, 2023: 267-290). در مجموع، سیاست برندسازی مجدد ملی عربستان سعودی را می‌توان بخشی از استراتژی کلان این کشور در راستای هجینگ دانست. در نمودار ۲ به اهداف، اقدامات و نتایج و دستاوردهای برندسازی مجدد ملی در چارچوب هجینگ اشاره شده است.



نمودار ۲. برندسازی مجدد ملی عربستان سعودی در چارچوب هجینگ منبع: یافته‌های پژوهش

۷. نتیجه گیری

همکاری‌های اقتصادی کشورها در سال‌های اخیر، الگوهای متفاوتی یافته است. در گذشته کشورها براساس میزان توانایی اقتصادی خود، دایره ای از تعاملات تجاری و اقتصادی را با کشورهای مختلف تجربه می کردند. اما اکنون و با پیچیده شدن معادلات قدرت همسو با تغییر پویای سیاسی نظام بین الملل، حتی قدرت‌های متوسط و جنوب جهانی نیز در پی کسب تعادل در اقتصاد جهانی هستند. مفهوم هجینگ که از دانش اقتصاد و مدیریت به روابط بین الملل سرریز شده، نیز به نوعی پاسخ گویی این نیاز روزافزون کشورها است. در حال حاضر الگویی‌های متفاوتی از هجینگ در جنوب جهانی رواج یافته است. در مدل ذیل می توان الگوهای مرسوم و انتخاب شده از سوی دو کشور ایران و عربستان را مشاهده کرد. (نمودار ۳)



نمودار ۳. الگوهای متفاوت هجینگ در ایران و عربستان سعودی منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در نمودار بالا مشخص شده، با توجه به اینکه دو کشور ایران و عربستان در یک منطقه و با قدرت منطقه ای نسبتاً مشابهی قرار دارند، به عنوان دو مورد مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها نشان داد که هم ایران و هم سعودی نسبت به متعادل سازی روابط اقتصادی خود در سطح جهانی آگاهی دارند، اما هر یک بنابه دلایل متفاوت، مدل خاصی از هجینگ را در پیش گرفته اند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم انسجام داخلی در تصمیم گیری های اقتصادی از یک سو و فشار متراکم بین المللی به سمت الگوی هجینگ واکنشی سوق یافته است. در مقابل سعودی، طی سال های گذشته توانسته سطحی از انسجام داخلی و همچنین متنوع سازی روابط اقتصادی بین المللی را به دست بیاورد. دستاوردهای اقتصادی و دیپلماتیک عربستان سعودی طی سال های گذشته، به این کشور کمک می کند تا رشد اقتصادی شتابانی را در مقایسه با ایران داشته باشد. به نظر می رسد الگوهای متفاوت هجینگ در ایران و عربستان سعودی، نقاط تمایز دو کشور در زمینه توسعه اقتصادی را مشخص می کند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Alagöz, Emine Akçadağ (2017). "Blue-Water Navy Program as a part of South Korea's Hedging Strategy." *Güvenlik Stratejileri*, Vol.13, No. 25. 65–97.
- Ali, L. (2025, March 12). Unpacking the drivers of Saudi Arabia's foreign policy. Gulf Research Center. available at: <https://www.grc.net/single-commentary/234/>
- Alsayel, A., Fransen, J., & de Jong, M. (2023). "City branding in a multi-level governance context: Comparing branding performance across five institutional models for urban development in Saudi Arabia". *Journal of Place Management and Development*, Vol. 16, No 2. 267–290. available at: <https://doi.org/10.1108/JPM-D-2022-0061>
- Aly, H. (2019). Royal dream: "City branding and Saudi Arabia's NEOM". *Middle East – Topics & Arguments*, Vol. 12, No 1. 99–109. available at: <https://doi.org/10.17192/meta.2019.12.7937>
- Araghchi, S. A., & Samadi, A. (2024). The role of strategic hedging strategy in Qatar's foreign policy. *Foreign Relations*, Vol. 16, No 2, 1–28. available at: <https://doi.org/10.22034/fr.2024.462506.1543>
- Bakir, A. (2022). The 2021-2022 "De-Escalation Moment in the Middle East: A net assessment". *Insight Turkey*, Vol. 24, No 2, 55–66. available at: <https://doi.org/10.25253/99.2022242.4>
- Chaziza, M. (2015). "Strategic hedging partnership: A new framework for analyzing Sino–Saudi relations". *Israel Journal of Foreign Affairs*, Vol. 9, No 3, 1–12. available at: <https://doi.org/10.1080/23739770.2015.1120017>
- Chaziza, M., & Lutmar, C. (2025). "Saudi Arabia's niche diplomacy: A middle power's strategy for global influence". *World*, Vol. 6, No 2, 65. available at: <https://doi.org/10.3390/world6020065>
- Christensen, D. M., Jin, H., Sridharan, S. A., & Wellman, L. (2020, December 28). "Hedging on the Hill: Does political hedging reduce firm risk? Manage-

- ment Science (Forthcoming)". SSRN. available at: <https://ssrn.com/abstract=3756443>
- Ciorciari, J. D., & Haacke, J. (2019). "Hedging in international relations: An introduction". *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol. 19, No 3, 367–374. available at: <https://doi.org/10.1093/irap/lcz017>
- Clingendael Institute. (2025). "Running out of road: Iran's strategic predicament". available at: <https://www.clingendael.org/publication/running-out-road-irans-strategic-predicament>
- Cortes, P, Kasoolu, S., & Pan, C. (2020). "Labor market nationalization policies and firm outcomes: Evidence from Saudi Arabia (Harvard CID Growth Lab Working Paper)". available at: <https://growthlab.hks.harvard.edu/publications>
- Eisenstadt, M. (2023). "Iran's nuclear hedging strategy: Shaping the Islamic Republic's proliferation calculus. The Washington Institute". available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-nuclear-proliferation-strategy-us-policy-options>
- Ekhtiari Amiri, R. and Kalhori, J. (2025). "Shift in Saudi Arabia's Foreign Policy and the Restoration of Relations with Iran (2021–2024)". *Foreign Relations*, Vol. 16, No 4, 221–246. doi: 10.22034/fr.2025.456326.1525
- El-Dessouki, A., & Mansour, O. R. (2023). "Small states and strategic hedging: The United Arab Emirates policy towards Iran". *Review of Economics and Political Science*, Vol. 8, No 5, 394–407. available at: <https://doi.org/10.1108/REPS-09-2019-0124>
- Fazel, S. (2023). "Non-alignment reimagined: Iran's hedging strategies in the evolving global order". *Asian Politics and Policy*, Vol. 15, No 2, 217–235. available at: <https://doi.org/10.1111/aspp.12689>
- Filippi, L. D., & Mazzetto, S. (2024). "Comparing AlUla and The Red Sea: Saudi Arabia's giga projects on tourism towards a sustainable change in destination development". *Sustainability*, Vol. 16, No 5, 2117. DOI:10.3390/

su16052117

- Fusaro, P., & James, T. (2005). "Energy hedging in Asia: Market structure and trading opportunities". New York: Palgrave Macmillan.
- Geeraerts, G., & Salman, M. (2016). "Measuring strategic hedging capability of second-tier states under unipolarity". *Chinese Political Science Review*, Vol. 1, No 1, 60-80. available at: <https://doi.org/10.1007/S41111-016-0010FIGURES/10>
- Gerstl, A. (2022). "Hedging strategies in Southeast Asia. London: Routledge". available at: <https://doi.org/10.4324/9781003212164>
- Ghasemi, Mohammad, Sobhaniyan, Seyed Mohammad Hadi, & Abuhamzeh, Darius (2021). "Backgrounds and solutions for reducing government budget dependence on oil". *Majles and Strategy*, Vol. 28, No 105, 5-40. [in Persian]
- Goh, E. (2005). "Meeting the China Challenge: The U.S. in Southeast Asian Regional Security Strategies (M. Alagappa, Ed.)". East-West Center. available at: <http://www.jstor.org/stable/resrep06541>
- Gonzalez-Pujol, I. (2024). "Theorising the hedging strategy: National interests, objectives, and mixed foreign policy instruments. Center for East Asian Studies", Vol. 13, No 2, 193-214. available at: <https://doi.org/10.20991/allazimuth.1480020>
- Haacke, J. (2019). "The concept of hedging and its application to Southeast Asia: a critique and a proposal for a modified conceptual and methodological framework". *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol. 19, No 3, 375-417. available at: <https://www.jstor.org/stable/26795964>
- Hadian Rasanani, A. M. (2024). "Saudi Arabia's relations with China and Russia, hedging and increasing relative power amidst American disengagement from West Asia: Implications, change and continuity". *Journal of World Sociopolitical Studies*, Vol. 8, No 4, 877-916. available at: <https://doi.org/10.22059/wsps.2025.382804.1465>

- Hani, F., & Lopesciolo, M. (2021). "Understanding Saudi private sector employment and unemployment". available at: <https://www.tinyurl.com/29xt4bf6>
- Harsono, R. N., & Septifa Leiliano Ceria. (2025). "Normalization of Diplomatic Relations Between Saudi Arabia and Iran: A Rationality Analysis of Saudi Arabia's Foreign Policy". *Global Local Interactions Journal of International Relations*, Vol. 4, No 2, 84–96. available at: <https://doi.org/10.22219/gli.v4i2.37150>
- Heibach, J. (2021). "Public diplomacy and regional leadership struggles: The case of Saudi Arabia". *International Politics*, Vol. 58, No 1, 1–20. available at: <https://doi.org/10.1057/s41311-021-00310-7>
- Hochmüller, M., & Müller, M.-M. (2025). "Homologies and modelling in Colombian South–South security cooperation". *European Journal of International Security*, 1–21. available at: <https://doi.org/10.1017/eis.2025.7>
- Koga, K. (2017). "The concept of 'hedging' revisited: The case of Japan's foreign policy strategy in East Asia's power shift". *International Studies Review*, Vol. 20, No 4, 633–660. available at: <https://doi.org/10.1093/isr/vix059>
- Korolev, A. (2023). "Shrinking room for hedging: System-unit dynamics and behavior of smaller powers". *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol. 23, No 2, 211–239. available at: <https://doi.org/10.1093/irap/lcac015>
- Kouleas, J. A. (2023). "Saudi Arabian foreign policy and hedging: Playing its cards right (Master's major research paper, University of Windsor)". *University of Windsor Scholarship at UWindsor*. available at: <https://scholar.uwindsor.ca/major-papers/281>
- Kuik, C.-C. (2018). "The essence of hedging: Malaysia and Singapore's response to a rising China". *Contemporary Southeast Asia*, Vol. 30, No 2, 163. available at: <https://www.jstor.org/stable/41220503>
- Kuik, C.-C., & Jamil, N. S. (2024). "The feasibility and future of middle-state hedging". *East Asian Policy*, Vol. 16, No 4, 7–28. available at: <https://doi.org/10.1017/eap.2024.1>

org/10.1142/S1793930524000254

- Lai, Y. M., & Kuik, C. C. (2020). "Structural sources of Malaysia's South China Sea policy: power uncertainties and small-state hedging". *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 75, No 3, 277–304. available at: <https://doi.org/10.1080/10357718.2020.1856329>
- Lim, D. J., & Cooper, Z. (2015). "Reassessing hedging: The logic of alignment in East Asia". *Security Studies*, Vol. 24, No 4, 696–727. available at: <https://doi.org/10.1080/09636412.2015.1103130>
- Lopesciolo, M., Muhaj, D., & Pan, C. (2021). "The quest for increased Saudization: Labor market outcomes and the shadow price of workforce nationalization policies". *Harvard CID Growth Lab Working Paper*. available at: <https://growthlab.hks.harvard.edu/publications>
- Mahmoudikia, Mohammad (2022). "An analysis of the factors influencing the resilience of the Islamic Republic of Iran against international economic sanctions (case study of 2006-2020)". *Iranian Political Sociology Monthly*, Vol. 5, No 5, 610-637. doi: 10.30510/psi.2022.244541.1231 [in Persian]
- Moghaddasi Kelishomi, A., & Nisticò, R. (2024). "Economic sanctions and informal employment". *Labour Economics*, 89, 102581. available at: <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2024.102581>
- Na'mati, Mohammad, Soleimani, Yaser, Kayini, Mohammad Reza, & Fouladi, Saeed (2020). "Analysis and review of the Islamic-Iranian model of progress document from an economic perspective with a hedging approach in the system of passive defense". *Iranian Journal of Economic and Security Studies Quarterly*, Vol. 1, No 1, 1-28. [in Persian]
- Novikova, I. N. (2022). "Small states in international relations: Some theoretical aspects". *Herald of the Russian Academy of Sciences*, Vol. 92, No 9, S890–S901. available at: <https://doi.org/10.1134/S1019331622150072/METRICS>

- Nye, J. S. (2017). "Soft power: The origins and political progress of a concept". Palgrave Communications, 3, Article 17008. available at: <https://doi.org/10.1057/palcomms.2017.8>
- Rahimi, M. (2023). "Goeconomic hedging in the Persian Gulf: Iran's adaptive resistance amidst U.S". sanctions. Journal of International Relations and Development, Vol. 26, No 4, 789-813. available at: <https://doi.org/10.1057/s41268-023-00308-z>
- Roy, D. (2005). "Southeast Asia and China: Balancing or bandwagoning". Contemporary Southeast Asia, Vol. 27, No 2, 205-322. available at: <https://www.jstor.org/stable/25798738>
- Salman, M., & Geeraerts, G. (2015). "Strategic Hedging and China's Economic Policy in the Middle East". China Report, Vol. 51, No 2, 102-120. available at: <https://doi.org/10.1177/0009445515570440>
- Sariolghalam, M. (2020). "The new emerging geo-economics of the Middle East". International Journal of New Political Economy, Vol. 1, No 1, 35-43. available at: <https://doi.org/10.29252/jep.1.1.35>
- Saudi Gazette. (2025, February 19). "Visitors to Riyadh Season hit record number of 20mln". Zawya. available at: <https://www.zawya.com/en/business/travel-and-tourism/visitors-to-riyadh-season-hit-record-number-of-20mln-llb4z280>
- Tajeband, Alireza, & Samii Nasab, Mostafa (2021). "The system of safeguarding the country's economy under economic sanctions in the thought of Ayatollah Khamenei in line with the realization of the two principles of economic independence and Islamic dignity". International Political Economy Studies, Vol. 4, No 2, 581-623. doi: 10.22126/ipes.2021.5037.1229 [in Persian]
- Telci, İ. N., & Rakipoğlu, M. (2021). "Hedging as a survival strategy for small states: The case of Kuwait". All Azimuth, Vol. 10, No 2, 213-229. available at: <https://doi.org/10.20991/allazimuth.960945>

- Waltz, K. N. (1979). "Theory of international politics". New York: McGraw-Hill.
- Washington Institute. (2025). "When multilateralism met realism and tried to make an Iran deal (Policy Note No. 115)". available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/when-multilateralism-met-realism-and-tried-make-iran-deal>
- Yin, T. (2022). "Strong power to weak power strategic hedging in regional conflicts and China's involvement in the Saudi Arabia-Iran rivalry". International Journal of Asian Social Science, Vol. 12, No 8, 292–307. available at: <https://doi.org/10.55493/5007.V12I8.4560>